

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان:

زینب کاظمی گرجی

دلایل اثبات امامت امام رضا(ع)

چکیده :

از آغازین روزهای پیدایش اسلام، امامت به عنوان جانشینی پیامبر(صلی الله علیه و اله) یکی از مسائل بنیادی و اصولی محسوب می‌شده است. عالمان اسلامی برای تشخیص امام راههای متعددی ذکر کرده و ویژگی هایی برای آن بیان نموده اند. وجود امام به عنوان رهبر و زمام دار امور مسلمین برای حفظ دین اسلام و تبیین صحیح معارف دینی و هدایت انسان ها ضروری است. به اعتقاد شیعه، بعد از رحلت پیامبر اکرم(صلی الله علیه و اله)، علی(علیه السلام) جانشین بلافصل آن حضرت بوده و پس از او یازده فرزندش که همه از نسل او هستند به امامت منصوب شده اند. شیعیان اثنی عشری، ویژگی هایی چون نص جلی و تعیین آشکار از سوی پیامبر(صلی الله علیه و اله) و امام قبلی، عصمت، افضلیت، علم و دفن امام قبلی توسط امام بعدی را برای امامان خود قائل هستند و این ویژگی ها را با استناد به عقل و آیات و روایات به اثبات می رسانند. در طول تاریخ اسلام و با گذشت زمان، گروه های انحرافی زیادی در مقابل شیعه اثنی عشری به وجود آمدند. از جمله آنکه برخی بر امامی از امامان توقف کرده و از پذیرش امام بعدی سرباز زدند. این توقف کنندگان در طول تاریخ به نام های متعددی خوانده می شدند که معروف ترین آن ها، واقفیه است که بر امام موسی کاظم(علیه السلام) توقف کرده و امامت امام رضا(علیه السلام) را نپذیرفتند و از آنجایی که توقف کنندگان بر امام موسی کاظم(علیه السلام) از جایگاه علمی و اجتماعی بالایی برخوردار بودند، مشکلات فراوانی را برای جامعه شیعه به وجود آوردند.

روش تحقیق در این نوشتار، توصیفی و تحلیلی بوده و با مراجعه به کتب معتبر کلامی و روایی انجام گرفته است. هدف از ارائه این تحقیق، اثبات انتصابی بودن امامت امام رضا(علیه السلام) از جانب خداوند متعال و معرفی ایشان توسط پیامبر(صلی الله علیه و اله) و امام کاظم(علیه السلام) به وسیله روایات متواتر و احادیث صحیح السندی که نقل شده، می باشد.

کلید واژه:

مقدمه:

واژه امام در لغت از ریشه «ام» است و معانی گوناگونی برای آن ذکر شده است. یکی از آنها مقتدا و پیشواست. طریحی می گوید:

«امام به کسر الف، بر وزن فعال به معنای کسی است که از او پیروی می شود».

اسماعیل بن حماد جوهری در کتاب «الصاحاح تاج اللغة وصحاح العربیه»، «امام» را اینگونه معنا کرده است:

«الإمام الذي يقتدي به، و جمعه أئمه، امام کسی است که به او اقتدا می شود و جمع امام، ائمه است».

ابن فارس در کتاب «معجم مقاییس اللغة» می گوید:

«امام کسی است که به آن اقتدا شود و در کارها مقدم گردد، پیامبر، امام امامان و خلیفه، امام رعیت، و قرآن، امام مسلمانان است».

ابن منظور صاحب کتاب «لسان العرب»، واژه «أَمَّ» را اینگونه معنی می کند: والأَمُّ: قصد یا نشانه ای که لشکریان در جنگ از آن پیروی می کنند و واژه امام از ماده «أَمَّ» در اصل به معنای قصد کردن است. و همچنین می گوید: و امام هر آن کسی است که گروهی به او اقتدا کرده است، چه این که آن قوم به راه راست و استوار باشند یا گمراه.

امامت در مکتب تشیع، جزء اصول دین و هم ردیف با توحید، نبوت و معاد قرار گرفته است.

در دیدگاه امامیه مقام امامت، منصبی الهی و انتصابی است؛ زیرا امام(علیه السلام) جانشین پیامبر(صلی الله علیه و اله)

است و همانطور که خداوند، پیامبر(صلی الله علیه و اله) را تعیین می کند، امام(علیه السلام) را نیز نصب می نماید.

هشتمین پیشوای معصوم شیعیان، ابوالحسن، علی بن موسی(علیه السلام) ملقب به رضا در سال 148 هجری قمری متولد گردیدند. پدر بزرگوارشان حضرت امام موسی کاظم(علیه السلام) و مادر گرامیشان جناب نجمه خاتون بودند که بعد از تولد آن حضرت به طاهره ملقب شدند.

ایشان در سال 183 هجری قمری در سن سی و پنج سالگی منصب امامت را بر عهده گرفتند و

در دوران بیست ساله امامت خود، ده سال با هارون الرشید، پنج سال با محمد امین و پنج سال

هم با مامون عباسی هم عصر بودند. امام (علیه السلام) در این مدت در مدینه بودند تا آنکه به سال 201 هجری، برای امر ولایت عهدی خلیفه (مامون) عازم خراسان شدند و سه سال آخر را در منطقه خراسان به سر بردند. ایشان آخر ماه صفر سال 203 هجری قمری در 55 سالگی در طوس به دست مامون به شهادت رسیدند.

به نص صریح پیامبر (صلی الله علیه) و بنابر روایات متواتر و صحیح السندی چون جابر و حدیث لوح و....، پیامبر (صلی الله علیه و اله) در سلسله امامت، نام امام رضا (علیه السلام) را به عنوان هشتمین فرد از ائمه (علیه السلام) ذکر فرموده و منصب الهی امامت را مانند پدران بزرگوارشان، به ایشان نیز تصنیص نموده است.

اما پیش از امامت امام رضا (ع علیه السلام) تحواتی چون گسترش تشیع در سرزمین های اسلامی و سرازیر شدن وجوهات و نذورات از بلاد مختلف و جمع شدن مقادیر قابل توجهی از اموال نزد برخی وکلای امام کاظم (علیه السلام)، موجب وسوسه تصاحب این اموال و سرانجام انحراف آنان و ظهور واقفیه شد. جریان واقفیه به عنوان بزرگترین شکاف در جریان شیعی آن روزگار که بعد از شهادت امام هفتم (علیه السلام)، از سوی معتقدان به وقف یعنی بزرگان شیعه و وکلای امام (علیه السلام) و نیز معتقدان به روایاتی که از مهدویت وقایع بودن امام هفتم (علیه السلام) خبر می دادند، پدید آمده بود موجب شد امامت امام رضا (علیه السلام) پذیرفته نشود.¹

کتاب «امامت در بینش اسلامی» تألیف علی ربانی گلپایگانی، به جایگاه امام در تفکر اسلامی و بررسی ویژگی های امام در آیات و روایات می پردازد. نویسندگان در این کتاب آرا و اقوال متکلمان اسلامی از مذاهب گوناگون را بیان می کند و سپس از عقل و وحی و گزارش های مستند تاریخی برای نقد آنان بهره می گیرد.

(محمد حسین بیات با عنوان «امامت از دیدگاه شیعه دوازده امامی با تکیه بر براهین عقلی و آیات و روایات» تلاش دارد امامت را که یکی از اصول مذهب شیعه است با برجسته ترین براهین عقلی شیعه دوازده امامی مانند قاعده لطف به اثبات رسانده و سپس با استناد به آیات و روایات، عصمت و منصوص بودن امام را اثبات نماید.

(ابراهیم دستگردی ایمان 1401) با عنوان نحلته کنیتی یا نحلته کتبی؟ دو ضبط از یک جمله حدیث امام کاظم (علیه السلام) در مورد امام رضا (علیه السلام) می باشد. این مقاله در باره یکی از احادیث امام کاظم در باره نص بر امامت امام رضا علیهما السلام است که منابع حدیثی معتبر شیعی آن را به دو صورت ثبت کرده اند: «نحلته کنیتی» و «نحلته کتبی». نگارنده مقاله، منابع هر دو نقل را آورده، و برای تایید هر کدام، دلائلی ذکر می کند. در نهایت به احتمال زیاد، نقل دوم را ترجیح می دهد.

مقاله معنوی نژاد محمد 1399 به عنوان "تحلیل ساز و کارهای معنوی امام رضا (علیه السلام) توسط امام کاظم (علیه السلام)" بر مطالعه سیر تاریخی تعیین امام از سوی امام قبلی، حاکی از وجه متفاوت آن از سوی امام کاظم (علیه السلام) است، تا آنجا که برای نخستین بار در فرهنگ امامت، آن حضرت در فضای

عمومی و مکرر اقدام به معرفی جانشین خویش کرد. با بررسی‌های صورت گرفته در منابع حدیثی اولیه به دست می‌آید که 41 حدیث در باب معرفی امام هشتم (علیه السلام) از سوی امام پیشین روایت شده که در این میان، علاوه بر تلقی به قبول این روایات از سوی عموم اصحاب امامی، 11 حدیث براساس مبانی اعتبارسنجی متأخرین صحیح السند است.

در این مقاله تلاش شده است با توجه به رویدادهای دوران امامت امام رضا (علیه السلام)، که پذیرش امامت ایشان را برای شیعیان با مشکلاتی همراه کرده بود امامت امام (علیه السلام) را با نصوص رسیده از جانب پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله) و سایر ائمه (ع)، بالاخص امام موسی کاظم (علیه السلام) و همچنین ادله دیگر همچون علم امام معجزه و دایع امامت به اثبات برساند.

علما و دانشمندان شیعه در شناخت امام، از روایات که قول معصوم (علیه السلام) هستند به عنوان یک منبع اصلی و مهم استفاده می‌کنند در ادامه بحث، با رویکرد روایی به اثبات امامت امام رضا (علیه السلام) پرداخته می‌شود.

1- احادیث پیامبر (ص) و امامان (ع) در اثبات امامت امام رضا (ع)

امامیه معتقدند پیامبر (صلی الله علیه و اله) بر امامت جانشینان خود تصریح کرده و نصوص بسیاری از ایشان برای تعیین امام صادر شده است. در این قسمت به بیان روایت‌های پیامبر (صلی الله علیه و اله) که در منابع شیعه به شکل مستقیم یا غیر مستقیم به وسیله امامان (علیه السلام) و اصحاب از ایشان نقل شده است، می‌پردازیم.

یکی از احادیثی که در آن نام ائمه (علیه السلام) به تفکیک و به ترتیب امامتشان ذکر شده است، حدیث مشهور جابر است. جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید:

«وقتی که خداوند آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» 1 را بر رسول خدا (ص) نازل کرد، گفت: ای پیامبر! خدا و پیامبر را شناختیم، ولی الامر که اطاعت آنها مقرون اطاعت شما شده، چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان جانشینان من هستند و پس از من امامان مسلمانان می‌باشند. اولشان علی بن ابی‌طالب، سپس حسن، حسین، علی بن حسین، محمد بن علی - که در تورات معروف به باقر است و تو او را می‌بینی، وقتی او را دیدی سلام مرا به او برسان - سپس جعفر

بن محمد الصادق، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی سپس همنام و هم‌کنیه من حجت خدا در زمین، ذخیره خدا در بین مردم، فرزند حسن بن علی؛ این همان است که خداوند به دست او مشرق و مغرب زمین را فتح خواهد کرد». 2

امام صادق (علیه السلام) در ادامه روایت می‌فرماید:

«پدرم به جابر فرمود: جابر! حال به صحیفه ای که در نزد توست بنگر تا برای تو از حفظ بخوانم. جابر به نسخه ای که در دستش بود، نگریست پدرم تمام مطالب صحیفه را از حفظ برای جابر خواند. سوگند به خدا حرفی از کلام امام با حرفی از صحیفه ای که در دست جابر بود مخالف نبود». 1

پس از آنکه قرائت امام به پایان رسید جابر گفت:

«خدای بزرگ را شاهد می‌گیرم که آنچه در صحیفه نزد فاطمه (سلام الله علیها) دیدم همین بود که شما خواندید».

در قسمتی از لوح در بیان امامت و خصوصیات امام رضا (علیه السلام) چنین نقل شده است:

«آگاه باشید! هر که هشتمین حجت مرا دروغ شمارد، گویی همه اولیای مرا انکار نموده است. علی بن موسی (علیه السلام) دوست و یاور من [و رهبر شما] است و من ثقل علم و عصمت و صفات نبوت را در او قرار می‌دهم؛ توان او را در پاسداری از آن می‌آزمایم؛ عفریت ستمگر و متکبر او را می‌کشد و در شهری که عبد صالح، ذوالقرنین ساخت، دفن می‌شود». 3

همچنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و اله) نقل کرده است که فرمودند:

«... هر کس دوست دارد خوشحال و خندان خدا را ملاقات کند باید ولایت علی بن موسی الرضا را بپذیرد» 4.

پس با واکاوی نصوصی که از جانب رسول خدا (صلی الله علیه و اله) بیان شده، در می‌یابیم که پیامبر (صلی الله علیه و اله) تنها امیرالمومنین علی (علیه السلام) را جانشین خود قرار نداده است بلکه به طور متناوب، به شکل‌های گوناگون و الفاظ مختلف امامت سایر ائمه (علیه السلام) را نیز بیان فرموده اند تا از گمراهی جویندگان سعادت جلوگیری شود. امام رضا (علیه السلام) هم به عنوان پنجمین امام از نسل امام حسین (علیه السلام) نام او در سلسله امامان ذکر شده است و بنابر احادیث نبوی هرگونه تردیدی در این زمینه منتفی است.

اما شایان ذکر است همان‌طور که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله) از جانب خداوند مأمور شدند جانشین خود را به مردم معرفی کنند، امامان بعد از ایشان نیز موظف بودند جانشینان خود را به مردم معرفی کنند، زیرا هیچ‌گاه زمین از حجت خدا خالی نیست؛ تا کسانی که حق‌طلب و خواهان پیروی از

1. نساء/59

2. محمد بن علی حسین، ابن بابویه قمی (صدوق) ص 253.

به ابوالحسن رضا(علیه السلام) گفتیم: هنگامی که امام می میرد به چه چیز، امام بعدش شناخته می شود؟ فرمود:

«امام علامت هایی دارد از جمله آن، فرزند بزرگ تر بودن و دارای فضل و وصیت است، و بر سایر مدعیان پیشی می گیرد. پس پرسیده می شود فلانی به که وصیت کرد؟ گفته می شود: به فلانی. سلاح در میان ما اهل بیت(علیه السلام) به منزله تابوت میان بنی اسرائیل است، امامت همراه سلاح است هر کجا سلاح باشد امامت نیز هست». 21

تکرار سلاح در احادیث امام رضا(علیه السلام) و سایر ائمه(علیه السلام) در واقع تأکیدی بر حق حاکمیت و ولایت و جانشینی پیامبر(صلی الله علیه و اله) برای اهل بیت(علیه السلام) بر جامعه است. از لحاظ تاریخی، ودایع امامت، بارزترین معیار برای عوام مردم بوده، زیرا که قوه تجزیه و تحلیل حوادث و رویدادها را نداشتند و این معیار همه مؤلفه های دیگر را تحت الشعاع قرار می داده است.

امام کاظم(علیه السلام) قبل از شهادت خود، ودایع امامت را به ام احمد سپردند تا ایشان این ودایع را به کسی که از ایشان طلب می کند، بدهند. پس از شهادت امام کاظم(علیه السلام)، امام رضا(علیه السلام) نزد ام احمد آمد و امانت های پدر را طلب کردند. ام احمد با مشاهده این امر، وصایا را به امام رضا(علیه السلام) تحویل داده و با ایشان بیعت کرد. 22

پس مطالبه ودایع و در اختیار داشتن آنها از نشانه های امام است. تنها، شخصی که جانشین و وصی امام قبل از خود است، این ودایع را به ارث می برد و اطاعتش بر همگان واجب می شود.

5- علم امام

یکی از راه های شناخت امام در کلام بزرگان شیعه، علم امام است. شیخ صدوق از جمله نشانه های شناخت امام را علم و استجابت دعا دانسته است. 23 شیخ مفید هم در شرح حال برخی از امامان، علاوه بر نص پیامبر(صلی الله علیه و اله) و امام قبلی، در علم و عمل برترین مردم پس از پدر بودن را از جمله راه های اثبات امامت برشمرده است. 24

همه امامان معصوم(علیه السلام) شیعه، از دانش گسترده و علم الهی برخوردار بوده اند و به تمامی علوم مورد نیاز بشر آگاهی کامل داشته اند، اما امام رضا(علیه السلام) به «عالم آل محمد» معروف شدند زیرا زمینه ظهور علم سایر امامان(علیه السلام) برایشان فراهم نشد. این لقب برگرفته از حدیثی از امام کاظم(علیه السلام) است که در آن به علم سرشار امام رضا(علیه السلام) اشاره می کنند و به فرزندان خود می فرمایند:

«این برادر شما، علی، عالم آل محمد(صلی الله علیه و اله) است. مسائل خود را از وی بپرسید و مطالب را نگهداری کنید. من از پدرم جعفر بن محمد(علیه السلام) شنیدم مکرر می گفت: عالم آل محمد(صلی الله علیه و اله) در صلب تو است، کاش من او را می دیدم، وی با امیرالمومنین(علیه السلام) هم نام است». 25

برتری علم امام (علیه السلام) در مواجهه با دوست و دشمن تا حدی بود که همگان را به اعتراف و می داشت و همگی به فضل و علم امام (علیه السلام) و عجز و ناتوانی خود اقرار می کردند.

مامون نیز درباره امام (علیه السلام) می گفت:

«او بهترین مردم روی زمین و عالم ترین و عابد ترین مردم است». 26

خود حضرت رضا (علیه السلام) در مورد دانشش و برتری بر دانشمندان می فرماید:

« من در مدینه در روضه حضرت رسول (صلی الله علیه و اله) می نشستم و علما هم در آنجا زیاد بودند و هر گاه آنان در مسئله ای در می ماندند به طرف من اشاره می کردند و مسائل خود را از من سوال می نمودند، من هم به همه سوالات آنها پاسخ می دادم». 27

یکی از ابعاد شخصیت علمی امام رضا (علیه السلام)، آشنایی کامل با زبان های گوناگون بود، به طوری که با هر شخصی به زبان مادریش تکلم می کردند. گستردگی بلاد اسلامی با زبان ها و گویش های مختلف و مواجهه و مناظره با اندیشمندان ملل گوناگون، موجب شد این بعد از علم امام (علیه السلام) برجسته شود. ابو الصلت هروی می گوید:

« حضرت رضا با مردم به هر زبانی تکلم می کرد، به خداوند سوگند از هر کسی به زبانش آشناتر و فصیح تر بود. یکی از روزها خدمتش عرض کردم: «یا بن رسول الله، من در تعجب هستم که شما چگونه همه زبان ها را می دانی؟». فرمود: «ای اباصلت! من حجت خداوند در میان مردم هستم و خداوند در صورتی با مردم اتمام حجت کرده است که حجت، همه زبان ها را بداند. آیا نشنیده ای که امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: به ما فصل الخطاب داده اند و فصل الخطاب هم شناختن لغات مختلف است». 28

علم و آگاهی از باطن افراد یکی دیگر از نشانه های امام است، که امامیه برای تشخیص امام خود در دوره های مختلف از آن استفاده کرده اند. زیرا در زمان تقیه که دستیابی به نص حتی برای بعضی از شاگردان کار مشکلی بود، پرسش و سنجیدن افراد، مطمئن ترین راه برای رسیدن به امام واقعی بود. حسین بن بشار می گوید: 10

من واقفی بودم و هنوز به امامت علی بن موسی (علیه السلام) باور نداشتم. در نزدیکی مدینه، آن حضرت را ملاقات کردم و خواستم درباره پدرش بپرسم. اما پیش از آن که سخن بگویم به من فرمود: «ولای آل محمد (صلی الله علیه و اله) داشته باش و از ولی امر تبعیت کن». سپس فرمود: «آگاه شدی؟». گفتم: «آری». 29

25. فضل بن حسن، طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۳۹.

26. ضل بن حسن، طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۳۹.

27. همان

28. همان

29. - محمد بن حسن، طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص 506.

30. محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ص 57.

آگاهی از باطن افراد و پاسخ دادن به پرسش ها قبل از مطرح کردن پرسش از جانب امام، نشان از علم غیبی است که خداوند به آنها داده است. همانطور که امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

« هر گاه امام اراده کند که چیزی را بداند، خداوند او را از آن چیز آگاه خواهد کرد. » 30

پس امام رضا (علیه السلام) با عنوان «عالم آل محمد (صلی الله علیه و اله)» شناخته می شوند، زیرا مهمترین سلاح امام در مقابله با فرقه های متعددی که در زمانشان وجود داشتند — البته فرقه واقفیه که به خاطر ویژگی های سرانش از رشد سریع و قابل توجه ای برخوردار بود- و شخصیت عالم و دانشمندی چون مامون و مناظره با بزرگان ادیان، علم خدادادیشان بود که از پدرانشان، از حضرت رسول (صلی الله علیه و اله) به ایشان منتقل شده بود.

با توجه به مطالب این گفتار، مشخص می شود که نص صریح پیامبر (صلی الله علیه و اله) با بیان مصداق واقعی امام، معرفی امام پیشین که امامتش به اثبات رسیده و ارائه معجزه که نشانه صدق امامت است و در دست داشتن ودایع امامت و همچنین علم الهی امام، از راه های اثبات امامت امام رضا (علیه السلام) می باشد

نتیجه:

مقام امامت، همانند مقام نبوت، منصبی است الهی و همانگونه که خداوند سبحان از میان بندگان کسی را به مقام نبوت و رسالت بر میگزیند، همان خداوند کسی را برای امامت بر میگزیند و پیامبرش را فرمان می دهد که او را به عنوان پیشوای بعد از خود در میان مردم نصب کند، تا وظائفی که بر عهده پیامبر بود، بعد او برپا دارد. تنها فرق امام و پیامبر این است که از جانب خدا بر امام وحی نمی شود؛ بلکه احکام را با تسدید الهی می گیرد. پس نبی پیام رسان مستقیم خداوند است؛ اما امام پیام رسان از جانب پیامبر است. با هدف تبیین راه حقیقی و دست یابی جامعه اسلامی به سعادت دنیوی و اخروی، خداوند بنابر حکمت بالغه خود، بعد از پیامبر (صلی الله علیه و اله) حافظ و پاسداری قرار داده است تا دین اسلام را بی کم و کاست به اعصار بعدی انتقال دهد. اهمیت و ضرورت وجود امام با دلایل عقلی قابل درک است. اما تعداد ائمه (ع) را تنها از راه مراجعه به منابع فریقین خصوصاً شیعه و بررسی احادیث رسیده از پیامبر (صلی الله علیه و اله) می توان فهمید. متکلمین امامیه ضمن تأکید بر شناخت امام بوسیله نص پیامبر (صلی الله علیه و اله) و امام قبلی، در تأیید امامت امام بعدی، مواردی چون معجزه، داشتن ودایع در نزد خود و علم الهی را هم از راه های تشخیص امام حقیقی می دانند. برخی از اصحاب امام کاظم (علیه السلام) که از وکلا، فقها و محدثین بودند با انگیزه های مالی و سوء برداشت از فعالیت های

امام(علیه السلام)، به قانمیت امام موسی کاظم(علیه السلام) معتقد شدند و امامت امام رضا(علیه السلام) را انکار کردند.

مقاله حاضر بر اساس آیات و روایات از معصومین خصوصاً امام کاظم (علیه السلام) سعی در اثبات امامت امام رضا (علیه السلام) داشته است و با این موارد به این امر دست یافته است:

روایاتی از پیامبر(صلی الله علیه و اله)

معرفی امام رضا(علیه السلام) توسط امام قبل خود یعنی امام کاظم(ع علیه السلام)

ارایه معجزه

علم امام ودایع امامت

فهرست منابع

*قرآن کریم

- 1- ابن بابویه قمی(صدوق)، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، ج2 و1، مترجم منصور پهلوان، قم، نشر مسجد مقدس جمکران، 1382.
- 2- علل الشرایع، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، ج1، قم، مکتبه الحیدریه، 1385
- 3- ابن هشام، عبد الملک، السیره النبویه، ج2، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- 4- آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، چاپ هفتم، تهران، نشر نی، 1385.
- 5- اشعری، سعد بن عبد الله، المقالات و الفرق، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1361.
- 6- امیری، سلیمان، امامت و دلایل انتصابی بودن آن، تهران، مشعر، 1393
- 7- انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، ج1، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات سخن، 1393.
- 8- بروجردی، سید حسین، جامع احادیث الشیعہ، ج17، مترجم احمد اسماعیل تبار و دیگران، تهران، فرهنگ سبز، 1388.
- 9- جُرّ، خلیل، فرهنگ عربی-فارسی لاروس، ترجمه سید حبیب طبیبیان، ج1، چاپ نهم، تهران، امیر کبیر، 1377.
- 10- سبحانی، محمد جعفر، منابع علم امامان شیعه(ع)، تهران، مشعر، .

- 11- سماوی، مهدی، امامت در پرتو کتاب و سنت، ترجمه حمید رضا آذیر و حسین صابری، چاپ دوم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، .
- 12- مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، تهران، صدرا، 1372.
- 13- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج6، تهران، امیر کبیر، 1386.
- 14- بیات، محمد حسین، «امامت از دیدگاه شیعه دوازده امامی با تکیه بر براهین عقلی و آیات و روایات»، سراج منیر، ش12، 1392.